

حرف من این است که در حال حاضر با وضعیتی که وجود دارد — حالا ممکن است بیست سال دیگر، سی سال دیگر وضعیت دیگری وجود داشته باشد؛ با آن کاری نداریم — در وضع کنونی، مذاکره‌ی با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمیکند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد.

۱۴۰۴/۰۷/۰۱

حرف روز

زرق و برق استثمار نوین!

گفته می شود که بازار رمزارزها، نماد آزادی مالی و رهایی از سلطه نظام بانکی و قوانین مالی دولت ها می باشد که البته حرف نامربوطی هم نیست و چه بسا از این حیث درست هم باشد، اما در کنار این ویژگی خاص، این بازار را باید ابزاری تازه برای همان سلطه گران و استثمارگران قدیمی دانست.

پشت و پزیرترین درخشان نوآوری و غیرمتمرکز بودن این بازار، ساختاری متمرکز از قدرت مالی نهفته که عمدتاً در دست سرمایه داران آمریکایی و شرکت های وابسته به وال استریت و نظام سرمایه داری آمریکا می باشد.

نهادهای اصلی بازار کریپتو، از صرافی های بزرگ مثل بایننس گرفته تا استیبل کوین های پرنفوذ مانند تتر، ترون و یواس دی کوین و ... همگی به نوعی به نظام دلاری و نهادهای مالی آمریکا گره خورده اند. این یعنی هر تراکنش رمزارزی، در عمق خود، تقویت کننده سیطره دلار است. حتی وعده غیرمتمرکز بودن نیز در عمل نقض شده است چرا که بخش عمده ای از دارایی رمزارزها در اختیار اقلیتی محدود از نهنگ ها قرار دارد که با چند حرکت می توانند کل بازار را جابه جا و دارایی های مردم دنیا را غارت کنند.

نمونه ای از این نوسانات شدید، سقوط اخیر بازار کریپتو در پی انتشار پیام ترامپ درباره سیاست تجاری با چین بود. هرچند برخی تحلیلگران آن را واکنشی طبیعی به اخبار سیاسی دانستند، اما هم زمانی آن با حجم عظیم معاملات خودکار و لیکوئید شدن بیست میلیارد دلار از دارایی مردم دنیا، نشان داد که بازار به شدت مستعد دستکاری و رفتار هماهنگ سرمایه های بزرگ است. واقعیت هم همین است که بازار کریپتو در آن موعده، شاهد یکی از بزرگ ترین دستکاری های تاریخ خود بود. سقوط و جهش ناگهانی (که پیش از این بارها رخ داده) در چند دقیقه که رد پای نهادهای بزرگ و هماهنگ (که عموماً آمریکایی هستند) در پشت آن به روشنی دیده می شود.

چنین رخدادهایی نشان می دهد که این بازار، در بخشی از خود، می تواند بازی طراحی شده ای باشد برای جذب نقدینگی مردم جهان و هدایت آن به جیب صاحبان سرمایه در آمریکا و غرب.

کریپتو در کنار فرصت ها و مزایای زیادی که دارد، تبدیل شده است به سازوکاری مدرن برای کنترل پول و احساسات میلیون ها نفر و غارت آنها و در یک کلام استثمار نوین.

زرق و برق فناوری، چهره ی واقعی این نظام را پنهان کرده است. نظامی که نه تنها به آزادی و توزیع عدالت ختم نمی شود، بلکه به تمرکز بیشتر ثروت در باند جنایتکار و سرمایه دار حاکم بر آمریکا می انجامد. و در نهایت همان ها با قدرت رسانه ای خود، تحلیل های انحرافی تولید می کنند تا ماهیت غارتگرشان در پس نقاب نوآوری پنهان بماند.

[علی محمدی]

گزارش روز

جایزه جنایت در پوشش صلح

کمیته صلح نوبل با انتخاب «ماریا کورینا ماچادو»، سیاستمدار مخالف دولت ونزوئلا، به عنوان برنده جایزه سال ۲۰۲۵، بار دیگر این پرسش بنیادین را مطرح کرده است که آیا این جایزه نماد بی طرفی و تلاش برای صلح جهانی است، یا ابزاری در خدمت جهت گیری های ژئوپلیتیک قدرت های بزرگ؟

بر اساس بیانیه رسمی، این جایزه به افرادی تعلق می گیرد که «نقش برجسته ای در ترویج صلح، کاهش درگیری ها و تقویت همکاری بین المللی ایفا کرده باشند». اما بررسی مسیر دریافت این جایزه توسط چهره های سیاسی خاص، الگویی قابل تأمل را آشکار می سازد. نگاهی به فهرست برندگان دهه های اخیر، این گمانه زنی را تقویت می کند که این جایزه اغلب به دو دسته اصلی تعلق می گیرد: متحدان راهبردی آمریکا و مخالفان ژئوپلیتیک آن.

از رؤسای جمهور آمریکا مانند جیمی کارتر و باراک اوباما گرفته تا رهبران صهیونیست مانند اسحاق رابین و شیمون پرز، نمونه هایی از دسته اول هستند. در دسته دوم، چهره هایی قرار می گیرند که مخالفان اصلی رقبای واشنگتن محسوب می شوند؛ از میخائیل گورباچف در دوران فروپاشی شوروی تا فعالان مخالف دولت هایی مانند روسیه (دیمیتری مورافوف)، ایران (شیرین عبادی و نرگس محمدی) و اکنون ونزوئلا. انتخاب خانم ماچادو، این الگو را به وضوح نشان می دهد. او که خود را رئیس جمهور منتخب ونزوئلا می داند، بلافاصله پس از برنده شدن موضعی اتخاذ کرد که به جای کاهش تنش، به تشدید آن دامن زد. اعلام حمایت صریح از حمله نظامی آمریکا به کشورش و ادعای دخالت چین، ایران، حزب الله لبنان و حماس در ونزوئلا، نه تنها نشانه ای از برنامه ای دیپلماتیک برای صلح نیست، بلکه قصد دارد خطوط یک درگیری نیابتی جدید را ترسیم کند.

علاوه بر این، وعده او برای انتقال سفارت ونزوئلا به اورشلیم به منظور حمایت از رژیم صهیونی، موضعی ژئوپلیتیک کاملاً همسو با یکی از محوری ترین سیاست های خاورمیانه ای واشنگتن است. این وعده، جایزه صلحی را که باید نماد آشتی باشد، به عاملی برای مشروعیت بخشی به یکی از حساس ترین موضوعات بین المللی تبدیل می کند. این روند جایزه نوبل صلح را از آرمان اولیه خود که توسط آلفرد نوبل تعریف شده بود، دور ساخته است. این جایزه بیش از آنکه پاداشی برای دستاوردهای صلح آمیز باشد، ابزاری برای اعمال نفوذ و فشار است. این جایزه به مخالفان مورد تأیید غرب اعتبار بین المللی و سکوی تبلیغاتی می بخشد و همزمان، دولت های مخالف آنان را تحت فشار سیاسی بیشتری قرار می دهد.

انتخاب ماچادو در سال ۲۰۲۵ نه یک استثنا، بلکه تأییدی بر یک قاعده رو به افزایش است. جایزه صلح نوبل به تدریج به عرصه ای برای جنگ روایت ها و ابزاری در بازی بزرگ قدرت ها تبدیل شده است. هنگامی که برنده جایزه صلح، حمله به کشور خود و همراهی بی قید و شرط با یک قدرت خارجی را ترویج می کند، این پرسش اساسی مطرح می شود که آیا این جایزه هنوز هم درباره صلح است، یا درباره سیاست در پوشش صلح؟ اکنون بیش از هر زمان دیگری، اعتبار و مشروعیت این جایزه تاریخی در معرض پرسش های جدی قرار دارد.

[مصطفی علیجان زاده]

خبر ویژه

مقاومت دریایی انصارالله؛ چالش بزرگ ائتلاف غربی-عربی

یک تحلیلگر آمریکایی از طرح جدید آمریکا، بریتانیا و عربستان برای تقویت گارد ساحلی یمن خبر داد که هدف اصلی آن کنترل مسیرهای دریایی و مهار نفوذ انصارالله در دریای سرخ است. این طرح با عنوان «مشارکت امنیت دریایی یمن (YMSP)» با حمایت مالی آمریکا، اتحادیه اروپا، عربستان و بریتانیا معرفی شده است. هدف رسمی این ابتکار مقابله با قاچاق و دزدی دریایی اعلام شده، اما تمرکز اصلی آن جلوگیری از انتقال سلاح و کاهش توان دریایی انصارالله در باب المندب است. ناوارو، تحلیلگر آمریکایی، می گوید با وجود حملات گسترده آمریکا و اسرائیل، انصارالله توانسته موقعیت خود را حفظ و حتی معادلات دریایی منطقه را تغییر دهد. در این طرح، گروه های مورد حمایت امارات مانند مقاومت ملی و شورای انتقالی جنوب نیز مشارکت دارند. ناوارو تأکید کرده است که این ابتکار بیش از هر چیز اعترافی به ناتوانی ائتلاف در مقابله با نیروهای انصارالله است و نشان می دهد که این نیروها با امکانات محدود، همچنان قدرت قابل توجهی دارند.

استفاده از فضای مجازی به عنوان سلاح جنگی!

سید محمد امین آقامیری، دبیر شورای عالی فضای مجازی، در نشست بررسی اقدامات بین‌المللی در برابر تسلیحاتی شدن فضای مجازی گفت: «امروزه فضای مجازی به عنوان سلاح جنگی و نه صرفاً یک بستر عمومی استفاده می‌شود و عرصه مهم و حیاتی برای کشورهاست.» او اشاره کرد که آمریکا در سال ۲۰۲۳ فضای مجازی را یکی از پنج بستر نظامی اصلی معرفی کرده و جنگ سایبری شامل حملات سایبری، استفاده از فناوری‌های نوین نظامی، سلاح‌های سایبری و عملیات روانی است. آقامیری درباره مهندسی روانی با هوش مصنوعی در سکوها‌های فراگیر گفت: «در این شیوه جدید، نیازی به حمله و هزینه نیست و با گفتمان‌سازی و انگاره‌سازی، مفاهیم مورد نظر در جامعه هدف تسری یافته و تهاجم روانی گسترده صورت می‌گیرد.» او افزود که تغییرات محتوایی در پلتفرم‌هایی مانند تیک تاک و ایکس پس از مداخلات سیاسی نمونه‌ای از این روند است. وی هشدار داد که بازیگران متعدد در دنیا در حال همگرایی برای تبدیل این فضا به یک سلاح جهانی‌اند که کشورها توان مقابله با آن را نخواهند داشت. آقامیری تأکید کرد که «باید از حقوق مردم و حاکمیت ایران در مجامع بین‌المللی دفاع کنیم» و سیاست‌گذاری در این حوزه در مرکز ملی فضای مجازی آغاز شده است.

دین، دانش و وطن، سه گانه هویت و پایداری ایران‌اند

علی اکبر صالحی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی، گفت: «ایران امروز، حاصل باور به دین، دانش و وطن است. اگر حتی لحظه‌ای از این مسیر غفلت کنیم، کشور در معرض خطر قرار می‌گیرد.» او دانشگاه و علم را از ارکان کلیدی حکمرانی و توسعه پایدار دانست و افزود: «با وجود جنگ تحمیلی و مشکلات فراوان، دانشگاه‌ها رشد چشمگیری داشته‌اند و امروز در هیچ استانی نیست که چند دانشگاه فعال وجود نداشته باشد.» صالحی با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب پس از جنگ ۱۲ روزه گفت: «ایشان سه عنصر دین، دانش و وطن را پایه‌های هویت و پایداری ملت دانستند.» وی افزود: «مقاومت مردم غزه با وجود محاصره کامل و تجهیزات محدود، جز از ایمان و باور دینی نشأت نمی‌گیرد.» او علم را دومین رکن قدرت نامید و تصریح کرد: «همان‌طور که حضرت علی (ع) فرمودند، علم قدرت است و هر که آن را به‌دست آورد، پیروز خواهد بود.»

آمریکا افول خود را پذیرفته است!

در نشست «افول آمریکا؛ واقعیتی در نظم نوین جهانی»، کارشناسان بر پایان سلطه مطلق آمریکا تأکید کردند. محمدمهدی عمادی‌مقدم، کارشناس روابط بین‌الملل، گفت: «آمریکا پایان دوران سلطه بی‌چون‌وچرای خود را پذیرفته است.» وی افزود: «غرب امروز اعتراف می‌کند که نظم یک‌قطبی آمریکا در حال فروپاشی است و جهان به سمت رقابت قدرت‌های بزرگ می‌رود.» عمادی‌مقدم نقش چین را برجسته خواند و بیان کرد: «چین موتور اصلی رشد اقتصادی جهان و پیش‌تاز در فناوری‌های نوین است.» سید هاشم میرلوحی، پژوهشگر روابط بین‌الملل، آمریکا را «کشوری بر پایه دروغ و فریب» توصیف کرد و گفت: «آمریکا هیچ‌گاه دموکراسی واقعی نداشته است.» او افزود: «تمدن غرب بر محور شیطان بنا شده و آمریکا نماد انحطاط فرهنگی است.» کیهان برزگر، استاد روابط بین‌الملل، تأکید کرد: «در روابط بین‌الملل، نهایتاً همه چیز به قدرت برمی‌گردد و کشورهایی که قدرت واقعی دارند، جایگاه جهانی خواهند داشت.» او همچنین گفت: «افول آمریکا ناشی از ظهور قدرت‌های تمدنی جدید است.»

آغاز اجرای طرح اعتبار ملی برای حمایت از اقشار کم‌درآمد

وزیر اقتصاد از آغاز اجرای طرح «اعتبار ملی» برای خانوارهای ایرانی، به‌ویژه دهک‌های پایین درآمدی خبر داد. سید علی مدنی‌زاده، این طرح را یکی از شش برنامه اصلی وزارت اقتصاد دانست که با هدف ارائه تسهیلات ارزان‌قیمت به خانوارهای کم‌درآمد طراحی شده است. به گفته وی، طرح اعتبار ملی با اتصال به شبکه تأمین مالی زنجیره‌ای (SCF)، می‌تواند با سیاست‌هایی مانند حمایت معیشتی، فرزندآوری و اصلاح قیمت انرژی پیوند بخورد. مدنی‌زاده تأکید کرد: «بنگاه‌های کوچک و متوسط بیشترین سهم از اشتغال کشور را دارند و تأمین مالی زنجیره‌ای می‌تواند ضامن پایداری این اشتغال باشد.» او با اشاره به ناتوانی بانکداری سنتی در پاسخگویی به نیازهای اقتصاد، خواستار حرکت به سمت «بانکداری مدرن و عدالت‌محور» شد. وی افزود که در چارچوب این تحول، بنگاه‌های بزرگ باید از بازار سرمایه و بنگاه‌های کوچک از نظام بانکی تأمین اعتبار شوند.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، اعلام کرد جمهوری اسلامی در نشست شرم‌الشیخ شرکت نخواهد کرد. عراقچی گفت: «با کسانی که به مردم ایران حمله کرده‌اند و همچنان ما را تهدید و تحریم می‌کنند، نمی‌توان تعامل داشت.» وی ضمن قدردانی از دعوت مصر، تأکید کرد: «ایران از هر ابتکاری برای پایان دادن به نسل‌کشی در غزه و اخراج نیروهای اشغالگر حمایت می‌کند و همچنان نیرویی برای صلح منطقه‌ای باقی خواهد ماند.»

شورای اطلاع‌رسانی دولت از تشکیل «شورای مشاورین نسل Z» خبر داد. به گفته الیاس حضرتی، رئیس شورا، این اقدام با هدف استفاده از ظرفیت‌های جوانان و پرورش نسل آینده مدیریتی کشور انجام شده است. وی تأکید کرد: «دراهای گفت‌وگو برای نسل جوان باز است.» این شورا با حضور ۱۵ عضو جوان، شامل دانشجویان، کارآفرینان و فعالان رسانه‌ای، جلسات هفتگی با محور پیگیری پیشنهادات برگزار خواهد کرد.

مجموع ظرفیت نیروگاه‌های حرارتی صنایع و معادن کشور به ۲۸۰۰ مگاوات رسید. سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی اعلام کرد که پروژه‌های مختلفی با هدف افزایش ظرفیت تولید برق در بخش صنعت، به بهره‌برداری رسیده‌اند. این پروژه‌ها شامل واحدهای گازی در نیروگاه‌های خرم‌آباد، آلومینیوم المهدی، و بافق است. با این ظرفیت‌ها، پایداری تولید در صنایع معدنی به‌طور چشمگیری تقویت شده است.

نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا، با انتقاد از سیاست‌های قدرت‌های امپریالیستی اعلام کرد: «این کشورها به‌دنبال سلطه بر ونزوئلا و غارت منابع طبیعی آن هستند.» وی هشدار داد که برخی جریان‌ها حتی خواهان تهاجم نظامی به کشورش شده‌اند. مادورو افزود: «استقلال و عزت ملت ما هدف حملات سیاسی و تبلیغاتی کسانی است که در خارج، به‌ویژه در میامی، خواهان اشغال ونزوئلا هستند.»

معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی اعلام کرد که ۷۵ هزار واحد مسکونی حمایتی در دهه فجر امسال به متقاضیان تحویل داده می‌شود. حبیب‌الله طاهرخانی تأکید کرد: «این واحدها باید کاملاً آماده سکونت و بدون مشکل زیرساختی باشند.» وی افزود که تأمین مالی به‌موقع و همکاری متقاضیان نقش مهمی در تسریع تحویل دارد و تأکید کرد که عملیات ساخت بیش از ۸۵۰ هزار واحد مسکونی در جریان است.

رئیس پژوهشگاه ابن‌سینا از درمان ناباروری و صاحب فرزند شدن ۱۵ هزار زوج ایرانی خبر داد. محمدرضا صادقی گفت: «مرکز ابن‌سینا با فناوری‌های نوین لقاح آزمایشگاهی و تشخیص ژنتیکی به زوجها کمک کرده است.» وی افزود: «این مرکز علاوه بر درمان، با پژوهش و آموزش، نقش مهمی در ارتقای سلامت باروری و حمایت از خانواده‌ها ایفا می‌کند. این اقدامات در راستای سیاست‌های کلان جوانی جمعیت انجام می‌شود.»